



چکیده

عظمت و تکبر و برتری و تجبر مختص ذات پاک خداوند بلندمرتبه است پس هر بنده ای که تکبر نماید در صفتی از صفات خدا با او منازعه نموده است مبدأ تکبر، خودبینی و خودخواهی و جهل و غفلت از حق و مظاهر اوست و غایتش خودنمایی است و نتیجه اش سرکشی و طغیان است؛ کبر به خدای تعالی که از همه قبیح تر و مهلک تر و مرتبه اعلای آن است در اهل کفر و جهود و مدعیان الوهیت پیدا شود گاهی نمونه ای از آن در بعضی از اهل دیانت پیدا می شود و این از غایت جهل و نادانی است. هدف از انجام این پژوهش شناخت و آگاهی انسان ها نسبت به رذیله تکبر و توجه به راه درمان آن با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره) می باشد. ایشان در آثار خود به ویژه کتاب چهل حدیث به این مساله و به آثار شومی که تکبر به دنبال دارد پرداخته اند. توجه به این مساله بسیار حائز اهمیت است زیرا تکبر در معنویات، آخرت، عقل، فهم و در اجتماع تأثیر می گذارد. در این پژوهش به اقسام تکبر اشاره شد که شامل تکبر ممدوح و مذموم می باشد و تکبر مذموم نیز دارای اقسامی است؛ از جمله تکبر در برابر خدا تکبر نسبت به پیامبران؛ تکبر در برابر دیگر انسانها و همچنین به تکبر ممدوح و اقسام آن نیز اشاره شد از جمله تکبر در برابر متکبر، در برابر دشمن، زن در برابر نامحرم بی اعتنائی فقرا در برابر اغنیا می باشد و در ادامه برای درمان تکبر در مقام علم و عمل به نمونه هایی از آثار تکبر در زمینه فردی و اجتماعی، در زمینه فردی به آثار اخروی و دنیوی در عقل و فهم انسان و آثار معنوی آن به صورت اجمالی اشاره شد. طبق یافته های پژوهش از دیدگاه امام خمینی، برای از بین بردن تکبر بلکه همه معاصی که در انسان ملکه شده باشد باید راهی برای تقویت معرفت الله و خداخواهی در خود پیدا کرد؛ چون انسان به معرفت الله رسید سعه صدر پیدا کرده و گناهان قلبی در او ریشه کن می شوند. روش جمع آوری مطالب در این مقاله کتابخانه ای است و تدوین مطالب به روش توصیفی می باشد.

کلیدواژه‌ها: آثار، امام خمینی (ره)، تکبر

^۱ دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه امام خمینی (رحم الله علیه)، شهرستان آشتیان، تماس: ۰۹۳۳۱۳۰۰۴۰۷

اگر انسان لحظه‌ای به بیماری‌های لاعلاج سرطان و ایدز و مانند آن که تمام تلاش دانشمندان جهان برای علاج آن تاکنون بی‌نتیجه مانده، اندیشه کند، تکبر نمی‌ورزد. یعنی این سیر صعودی نشاط و قوت و قدرت و رشد و سلامت و صبر و حوصله و سعه‌صدر و مانند آن ادامه نخواهد داشت، بلکه در میان‌سالی متوقف می‌شود و آنگاه سیر نزولی آغاز می‌گردد. تاجایی که انسان در سنین کهولت همانند بچه‌ای شیرخوار در همه‌چیز نیازمند دیگران می‌شود، نه تنها دیگر از آن سلامت و رشد و قوت و قدرت خبری نیست و نه تنها قادر بر تهیه و آماده کردن غذا و شستشوی خویش نخواهد بود و نه تنها حتی نمی‌تواند به راحتی غذایی که برایش آماده کرده‌اند بخورد؛ بلکه گاه همانند نوزاد شیرخوار، قادر بر حفظ آب دهانش نیز نخواهد بود! آنچه به این مقاله اهمیت و ضرورت می‌بخشد شناخت و آگاهی انسان‌ها نسبت به موضوع تکبر و توجه به راه درمان آن با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره) است؛ اگر انسان متکبر به جایگاه خود در نظام آفرینش و ضعف و ناتوانی‌اش در برابر بیماری‌ها و بلایا و خطرات و حوادث و آینده رو به افول و غروبش در ایام پیری بیندیشد، هرگز دچار تکبر و غرور و نخوت نخواهد شد. توجه به کوچکی انسان در برابر جهان هستی: نخست این‌که متکبر درباره کوچکی و حقارت خویش و عظمت و بزرگی عالم تفکر نماید، با خود بیندیشد که در کجای عالم قرار گرفته و چه نقشی دارد! حضرت علی (علیه‌السلام) درباره ضعف و ناتوانی انسان می‌فرماید: *مُسْكِينُ ابْنِ آدَمَ! مَكْتُومُ الْأَجَلِ، مَكْنُونُ الْعِلَلِ، مَحْفُوظُ الْعَمَلِ. تُؤْلَمُهُ الْبَقَّةُ، وَ تَقْتُلُهُ الشَّرْقَةُ، وَ تُنْتِنُهُ الْعَرَقَةُ*^۱: بیچاره انسان! سرآمد زندگی‌اش (زمان مرگش) نامعلوم، علل و عوامل بیماری‌هایش ناپیدا و مجهول، کردار و رفتارش درجایی محفوظ و باید روزی پاسخگو باشد، پشه‌ای او را آزار می‌دهد، قطره‌ای آب یا اندکی غذا راه تنفسش را می‌بندد و او را می‌کشد و اندکی عرق او را متعفن و بدبو می‌سازد! انسانی که این قدر ضعیف و ناتوان است، اگر توجه به ضعف خویش داشته باشد، متکبر نمی‌شود! انسانی که ابتدایش نطفه‌ای متعفن و بی‌ارزش و انتهایش مرداری بدبو و مشمئزکننده و دراین‌بین هم حامل نجاسات است، به چه چیز خویش فخر می‌فروشد! انسانی که با ویروسی که به چشم نمی‌آید، بیمار و درمانده می‌شود، چرا تکبر می‌کند! در پیشینه‌ی این تحقیق کتاب‌هایی چند به رشته‌ی تحریر درآمده که نمونه‌های از آن عبارتند از: پناهیان، علیرضا، رهایی از تکبر پنهان، انتشارات: تهران، بیان معنوی، ۱۳۴۴، خر عاملی، حسن، وسائل الشیعه، ناشر: آل‌البیت، سال ۱۴۱۴ ق، خمینی، مصطفی، ثلاث رسائل، العوائد و الفوائد، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) قم، سال ۱۴۱۸ ق. روش جمع‌آوری مطالب در این مقاله کتابخانه‌ای است و تدوین آن به روش توصیفی هست. در این تحقیق به بررسی دیدگاه امام خمینی (ره) در رابطه با درمان تکبر می‌پردازیم.

^۱ نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۱۹

تکبر در لغت به معنای خودبرتربینی و بزرگی فروختن به دیگران است. در اصطلاح تکبر بدین معنا است که آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و معتقد شود که بر غیر، برتری و رجحان دارد و دیگری را کوچک شمارد که فردی با رفتار و کردار خود وانمود کند که از دیگران برتر و بالاتر است.^۱ تکبر عبارت است از: حالت نفسانی و روانی که آدمی به خود گمان برد که از دیگران برتر و بالاتر است و بزرگ‌ترین تکبر، تکبر بر خداوند است، از اینکه امتناع از قبول حق کند و اعتراف به معبودیت و اختصاص عبادت به او نداشته باشد.^۲ به دیگر سخن؛ اساس تکبر این است که انسان از این‌که خود را برتر از دیگری ببیند احساس آرامش کند.^۳ بنابراین، تکبر از سه عنصر تشکیل می‌شود: نخست این‌که برای خود مقامی قائل شود، دیگر این‌که برای دیگری نیز مقامی قائل شود و در مرحله سوم مقام خود را برتر از آن‌ها ببیند و احساس خوشحالی و آرامش کند.^۴ از همین رو؛ تکبر با عجب تفاوت دارد، در عجب هیچ‌گونه مقایسه‌ای با دیگری نمی‌شود، بلکه انسان به خاطر علم یا ثروت یا قدرت و یا حتی عبادت، خود را بزرگ می‌بیند، هرچند فرضاً کسی جز او در جهان نباشد، ولی در تکبر حتماً خود را با دیگری مقایسه می‌کند و برتر از او می‌بیند.^۵

علت تکبر

برای تکبر موجبات بسیاری است که از جمله آن ضیق صدر است. انسانی که دارای شرح صدر باشد هر چه از کمال و جمال و مال و منال و دولت و حشم در خود ببیند به آن اهمیت ندهد و در نظرش بزرگ و مهم نیاید؛ و این سعه صدر از معرفت حق تعالی پیدا شود... پس خداخواهی سعه صدر آورد و سعه صدر تواضع و عزت نفس آورد و در مقابل خودخواهی و خودبینی هم از ضیق صدر است و هم ضیق صدر آورد و آن مبدأ تکبر است، زیرا چون ضعف قابلیت و ضیق صدر داشت، هر چه در خود ببیند در نظرش بزرگ شود و به آن بزرگی کند و در عین حال چون اسیر نفس است، برای رسیدن به مقاصد آن، پیش اهل دنیا که مورد طمع اوست ذلت و خواری کشد و تملق‌ها گوید. بلکه مبدأ همه مبادی در کمالات، معرفت الله است و ترک نفس و مبدأ همه نقایص و سیئات حب نفس و خودخواهی است و راه اصلاح تمام مفاسد اقبال به حق است و ترک هواهای نفسانی ما اصابک من حسنه فمن الله و ما اصابک من سيئه فمن نفسک.^۶ این انتساب از افراط در حب نفس ناشی می‌شود و اسبابی دارد، از جمله مغرور شدن به علم یا عمل و عبادت یا نسب یا جمال یا توانگری مالی و جسمی یا فراوانی اتباع.

^۱ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۲۹

^۲ خمینی، مصطفی، شرح چهل حدیث، ص ۷۹

^۳ مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد ۲، ص ۴۳

^۴ خمینی، مصطفی، شرح چهل حدیث، ص ۸۲

^۵ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ویراستار: هیثم طیمی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۲۲

^۶ <https://ensani.ir/fa/article/139116>

امام خمینی (س) نیز سبب اصلی تکبر را جهل و نادانی می‌داند؛ زیرا شخص متکبر نسبت به حقیقت نفس خود و نقص آن غافل است و گاهی شخص به سبب حب نفس، دیگران را ناقص و پایین‌تر از خود می‌بیند.^۱ از این رو تکبر، مبدأش خودخواهی، غفلت از حق و مظاهر اوست و غایتش خودنمایی و سرکشی و طغیان است؛^۲ البته تکبر گاهی ناشی از حسادت هست؛ زیرا شخص خود را فاقد کمالی می‌بیند که در دیگران است؛ لذا تکبر می‌ورزد.^۳

درواقع آنچه موجب زشتی تکبر انسان می‌شود، آن است که وی از حد خود تجاوز کرده و وارد محدوده صفات خاص خدا شده است.^۴ به عبارت دیگر، اصل و علت تکبر، جهل انسان نسبت به مرتبه حقیقی خویش^۵ و منسوب کردن صفات کمالی به خویش است.^۶ امام خمینی با استناد به روایتی صورت ملکوتی متکبر را صورتی مورچه‌ای ضعیف می‌داند در روز قیامت زبردست و پای مردم پایمال می‌شود و شاید این صورت ملکوتی، ناشی از کوچکی حوصله و ضعف نفس باشد و از آنجاکه صورت غیبی ملکوتی، تابع ملکات نفسانی است و از طرفی بدن ظل روح است، لذا کوچکی و حقارت روح به بدن سرایت می‌کند و آن را به صورت حیوانی کوچک و بی‌مقدار درمی‌آورد که به صورت ذلت‌بار محسوس می‌شود.^۷ امام خمینی راه درمان تکبر را چیرگی بر نفس اماره و شیطان و عمل برخلاف میل آن‌ها می‌داند، لذا لازم است انسان متکبر خود را به صفت متواضعان متصف کند و مطابق روش آن‌ها رفتار کند.^۸

انواع تکبر

امام خمینی، تکبر را دارای درجاتی آشکار و پنهان برشمرده و سبب تکبر را اموری از جمله: جهل و برخورداری از کمالات می‌داند. امام خمینی کبر را حالتی نفسانی دانسته که به واسطه آن، انسان بر دیگران بزرگی می‌جوید؛ و اثر این رفتار را در خارج تکبر می‌داند. امام خمینی حصول تکبر را در امور مختلفی می‌داند از جمله: کبر به واسطه کفر و عقاید باطل که در مقابل کبر به ایمان و عقاید حقه است، کبر به واسطه اخلاق و رذایل که در مقابل کبر به صفات پسندیده است و کبر به معاصی که در مقابل کبر به واسطه عبادات است. ایشان، محروم شدن از بهره‌های آخرت و ذلت و در آنجا را از آثار اخروی تکبر و خوار شدن نزد خلائق را از آثار اجتماعی تکبر برشمرده و تکبر را در حاکمان خطرناک‌تر می‌داند؛ زیرا موجب خونریزی و نابودی دنیا می‌شود. ایشان حصول تکبر را در امور مختلفی، از جمله اینها می‌دانند:

^۱ خمینی، مصطفی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۳۳

^۲ همان، ص ۳۳۶

^۳ همان، شرح چهل حدیث، ص ۹۹

^۴ همان، ثلاث رسائل، ج ۱، ص ۴۱

^۵ محاسبی، حارث، الرعایه لحقوق الله، ج ۱، ص ۳۷۷

^۶ غزالی، محمد، کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۲۵۷

^۷ خمینی، مصطفی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۵۰

^۸ همان، دانشنامه امام خمینی، ج ۳، ص ۴۸۹

۱- در مقام علمی

در مقام علم، راه درمان تکبر شناخت عظمت خدا و وقوف به اختصاص این صفت به اوست. فرد با چنین شناختی، به دوری خود از عظمت هم پی می‌برد. تفصیل این شناخت وقتی است که فرد بداند که تمامی این امور یا خارج از ذات انسان یا فانی و تباه شدنی است. افراد متکبر درباره خود بیندیشند که کیست‌اند؟ و کجا بودند؟ و به کجا می‌روند؟ و سرانجام کار آن‌ها چه خواهد شد؟ و نیز درباره عظمت خداوند بیندیشند و خود را در برابر ذات بی‌مثال او ببینند. در حدیثی آمده است که لقمان حکیم به فرزندش گفت: «وای بر کسی که تکبر می‌کند، چگونه خود را بزرگ می‌پندارد کسی که از خاک آفرید شده و به خاک برمی‌گردد؟ نمی‌داند به کجا می‌رود؟ به سوی بهشت تا رستگار باشد یا به سوی دوزخ تا گرفتار خسران آشکاری گردد!». ^۱ امام خمینی نیز معالجه علمی تکبر را شبیه معالجه عجب می‌داند زیرا تکبر ثمره عجب است. ایشان با الهام گرفتن از کلام امیرالمؤمنین (ع)، پیشنهاد می‌کند فرد مبتلابه این بیماری، در آغاز به مطالعه در آیات و اخباری که در نکوهش این صفت وارد شده و حقیقت و آفرینش خویشتن و چگونگی آن بپردازد؛ اینکه چگونه در آغاز آفرینشش با نطفه‌ای گندیده و رشدش با خوردن خون کثیفی بوده است؛ آنگاه که از همه کمال‌ها و ادراک‌ها خالی بوده و از خود حیات و قدرتی نداشته و پس از تولد نیز با کمترین آفت و بیماری‌ای از پای درمی‌آمده است. همچنین توجه به سیره پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) در تواضع و هم‌نشینی با فقرا و زیردستان- در عین برخورداری از مقامات بلند معنوی و ریاست و سلطنت ظاهری را خاطرنشان می‌سازد؛ چنان‌که علمای بزرگ شیعه نیز چنین بودند. ^۲

۲- در مقام عمل

بهترین راه درمان و علاج این بیماری، تواضع و فروتنی است چون حکما و عرفا گویند هر دردی به ضدش درمان پذیرد؛ بنابراین رکوع و سجده خاضعانه و خاشعانه در مقابل عظمت و کبریائی خداوند و احساس ذلت و خواری در برابر او می‌تواند به انسان این بینش و معرفت را ایجاد کند که او موجود ناچیزی است. در مقام عمل، توصیه کرده‌اند که انسان در گفتار و کردار دقیق شود تا آنچه از او پدید می‌آید از سر تواضع و به‌دوراز خودپسندی باشد. ^۳ برای درمان عملی تکبر سعی کند کارهای متواضعان را انجام دهد تا فضیلت تواضع در اعماق وجود او ریشه بدواند؛ مانند این‌که: لباس ساده بپوشد، غذای ساده بخورد، با خادمان یا کارگزارانش بر سر یک سفره بنشیند، در سلام کردن بر دیگران تقدّم جوید. با کوچک و بزرگ گرم بگیرد و از هم‌نشینی با افراد متکبر بپرهیزد و امتیازی برای خود بر دیگران قائل نشود، خلاصه آنچه را نشانه تواضع یا از مظاهر آن است در عمل و سخن به کار بندد. البته باید شرایط زمان و مکان و شخصیت اجتماعی را هم در نظر گرفت، ولی هدف این است که به مقام والای تواضع برسد و زندگی متواضعانه‌ای

^۱ شیخ مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، محقق، مصحح: غفاری، علی‌اکبر و محرمی زرنندی، محمود، ج ۱، ص ۳۳۸

^۲ خمینی، مصطفی، شرح چهل حدیث، ص ۱۳۴

^۳ غزالی، محمد، کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۲۷۲ - ۲۷۴

داشته باشد و از کارهایی که نشانه تکبر و خودبرتربینی است دوری نماید. از سوی دیگر؛ از آنجاکه تکبر اسباب و عللی دارد به تناسب برای از میان بردن هریک از آن‌ها باید راه‌های تواضع آن‌ها آموخت و عملی کرد؛ مانند این‌که؛ اگر سبب کبر و خودبرتربینی علم و دانش است؛ باید عالمان بیندیشند که قرآن مجید دانشمندان بی‌عمل را به خُرانی تشبیه کرده که باری از کتاب بر پشت‌دارند^۱ و نیز بیندیشند که به همان نسبت که بر دیگران برتری علمی دارند مسئولیتشان سنگین‌تر است، ممکن است خداوند از هفتاد گناه جاهل بگذرد پیش از آن‌که از یک گناه عالم بگذرد.^۲ نباید فراموش کنند که حساب آن‌ها در قیامت از دیگران بسیار مشکل‌تر است. مسئولان و حاکمانی که دچار تکبرند، برای راه مبارزه با این آفت خطرناک؛ عظمت و کبريایی خداوند را در نظر داشته باشند و بدانند که در محضر خدای تعالی، جایی برای بزرگی کردن بنده‌ای ناچیز و بی‌مقدار نیست؛ امام علی (علیه‌السلام) در نامه خود به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «و اگر قدرتی که از آن برخوردار، نخوتی در تو پدید آرد و خود را بزرگ بشماری، بزرگی حکومت پروردگار را که برتر از توست بنگر که چیست و قدرتی را که بر تو دارد و تو را بر خود آن قدرت نیست که چنین نگرستن، سرکشی تو را می‌خواهاند و تیزی تو را فرومی‌نشانند و خرد رفته‌ات را به جای باز می‌گرداند».^۳ امام خمینی راجع طریق عملی تکبر می‌فرماید: درمان آن نیز با قدری مواظبت سهل و آسان است؛ و در این طریق باهمت مردانه و حریت فکر و بلندی نظر به هیچ مخاطره تصادف نمی‌کنی. تنها راه غلبه به نفس اماره و شیطان و راه نجات برخلاف میل آن‌ها رفتار کردن است. هیچ راهی بهتر برای سرکوبی نفس از اتصاف به صفت متواضعین و رفتار کردن مطابق رفتار و سیره و طریقه آن‌ها نیست. در هر مرتبه از تکبر که هستی و اهل هر رشته علمی و عملی و غیر آن که هستی، برخلاف میل نفسانی چندی عمل کن، با تنبّهات علمی و تفکر در نتایج دنیایی و آخرتی، امید است راه آسان و سهل شده نتیجه مطلوب بگیری. اگر نفس از تو تمنا کرد که صدر مجلس را اشغال کن و تقدم بر هم‌قطار خود پیدا کن، تو برخلاف میل آن رفتار کن. اگر تأفف می‌کند از مجالست با فقرا و مساکین، تو دماغ او را به خاک مالیده با فقرا مجالست کن، هم‌غذا شو، هم‌سفر شو، مزاح کن. ممکن است نفس از راه بحث با تو پیش آید و بگوید تو دارای مقامی باید مقام خود را برای ترویج شریعت حفظ کنی، با فقرا نشستن وقع تو را از قلوب می‌برد، مزاح با زیردستان تو را کم‌وزن می‌کند، پایین نشستن در مجالس از مقام تو کاسته می‌کند، آن وقت خوب نمی‌توانی به وظیفه شرعی خود اقدام کنی، بدان تمام این‌ها دام‌های شیطان است. رسول اکرم، صلی‌الله علیه و آله، موقعیتش در دنیا از حیث ریاست از تو بیشتر بود و سیره‌اش آن بود که دیدی^۴ ایشان راه عملی چون؛ چیرگی بر نفس اماره و عمل برخلاف آن ارائه کرده است. و در دوران زندگی از تشریفات و عناوین ظاهری به دور بود و رفتار برخی قدرت‌های بزرگ را ناشی از تکبر آن‌ها می‌دانست و آن را بر نمی‌تابید.^۵

^۱ سوره جمعه، آیه ۵

^۲ کلینی، محمد، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۴۷

^۳ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، نامه ۵۳

^۴ خمینی، مصطفی، شرح چهل حدیث، ص ۱۲۵

^۵ <https://fa.wiki.khomeini.ir>

۳- توجه به عیوب خود

از دیگر راه‌های درمان تکبر این است که انسان به آنچه موجب تکبر می‌شود، توجه نکند؛ یعنی محاسن و امتیازات خود را در نظر نگیرد و در عوض همواره عیوب خود را در نظر داشته باشد. همچنین خود را با افراد فرودست‌تر مقایسه نکند تا کمالات خود را بزرگ نبیند.^۱

نتیجه‌گیری

عظمت و تکبر و برتری و تجبر مختص ذات پاک خداوند بلندمرتبه است، پس هر بنده‌ای که تکبر نماید در صفتی از صفات خدا با او منازعه نموده است. برای تکبر موجبات بسیاری است که از جمله آن ضیق صدر است؛ مبدأ تکبر، خودبینی و خودخواهی و جهل و غفلت از حق و مظاهر اوست و غایتش نفس و خودنمایی است و نتیجه‌اش سرکشی و طغیان است. تکبر از دیدگاه امام خمینی دارای انواع مختلفی است؛ تکبر ممدوح که به اقسام آن نیز اشاره شد از جمله: تکبر در برابر متکبر، در برابر دشمن، زن در برابر نامحرم، بی‌اعتنایی فقرا در برابر اغنیا می‌باشد و تکبر مذموم که اقسام آن بیان شد؛ از جمله تکبر در برابر خدا؛ تکبر نسبت به پیامبران؛ تکبر در برابر دیگر انسان‌ها و همچنین؛ و در ادامه، آثار تکبر در زمینه فردی و اجتماعی بیان شد و در ادامه برای درمان تکبر در مقام علم و عمل به نمونه‌هایی از آثار تکبر در زمینه فردی و اجتماعی، در زمینه فردی به آثار اخروی و دنیوی در عقل و فهم انسان و آثار معنوی آن به صورت اجمالی اشاره شد. پس برای از بین بردن تکبر، بلکه همه معاصی که در انسان ملکه شده باید راهی برای تقویت معرفت الله و خداخواهی در خود پیدا کرد؛ چون انسان به معرفت الله رسید، سعه صدر پیدا کرده و گناهان قلبی در او ریشه‌کن می‌شوند. هرچند این راه، راهی است بس دشوار، اما رسیدن به برخی از مراتب آن برای همه مقدور است بنابراین جای هیچ عذر و بهانه برای کسی نیست.

^۱ أبو الفرج، عبدالرحمن، الطب الروحانی، ج ۱، ص ۴۷

فهرست منابع

الف) کتابها

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دارلفكر، دارصادر، بيروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق
۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تصحيح و تنظيم: عبدالرسول پيمانی و محمدامین شریعتی، ناشر: تهران سازمان انتشارات جاویدان سال ۱۳۲۴ ش
۵. پناهیان، علیرضا، رهایی از تکبر پنهان، انتشارات: تهران، بیان معنوی، ۱۳۴۴
۶. حر عاملی، حسن، وسائل الشیعه، ناشر: آل البيت، سال ۱۴۱۴ ق
۷. خمینی، مصطفی، ثلاث رسائل، العوائد و الفوائد، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) قم، سال ۱۴۱۸ ق
۸. _____، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲
۹. _____، شرح چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، دفتر قم، چاپ بیستم، ۱۳۸۷ ش
۱۰. _____، دانشنامه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۰۰
۱۱. _____، مقاله‌های جلد سوم امام خمینی ره، ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) مؤسسه چاپ و نشر عروج قم سال ۱۳۹۲
۱۲. _____، صحیفه امام، انتشارات: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، سال ۱۳۸۵
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ویراستار: هیثم طیمی، المفردات فی غریب القرآن، ناشر: صادق، تهران سال ۱۴۰۴
۱۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، نامه ۵۳
۱۵. صدوق، محمد، معنی الاخبار، مترجم عبدالعلی محمدی شاهرودی، نشر: تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲
۱۶. طبرسی، ابومنصور، الاحتجاج علی اهل بیت، ترجمه عمادالدین قاری استرآبادی، ناشر: دارالنعمان، سال ۱۳۸۶ ق
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، امالی شیخ طوسی، مترجم صادق حسن‌زاده، ناشر: اندیشه هادی قم، سال ۱۳۸۸
۱۸. عدی، یحیی، تهذیب الاخلاق، ترجمه: محمد دامادی، نشر: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۱ ش
۱۹. علامه حلی، نهائیه الاحکام، به تصحیح: سید مهدی رجایی، ناشر: اسماعیلیان قم، سال ۱۴۱۰ ق

۲۰. غزالی، محمد، کیمیای سعادت، چاپ حسین خدیوچم، تهران ۱۳۶۱ ش.
۲۱. _____، احیاء علوم الدین، انتشارات فردوس، سال نشر ۱۳۹۳
۲۲. فرحزاد، حبیب‌الله، یک گام تا خدا، نشر: عطش، قم، ۱۳۹۳
۲۳. کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء، ناشر: بوستان کتاب، سال ۱۴۲۲ ق
۲۴. کلینی، محمد، الاصول من الکافی، نشر: دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق
۲۵. _____، الکافی، مترجم: محمدجعفر شمس الدین، ناشر: دارالحديث، قم، سال ۳۲۹ ق
۲۶. کینگ، استیون، مترجم: نرسی خلیلی، کتاب ابلیس، انتشارات دبیر، سال ۱۳۹۹ ش
۲۷. محاسبی، حارث، الرعايه لحقوق الله، چاپ عبدالقادر احمد عطار، بیروت.
۲۸. معتزلی، ابن ابی الحید، الشرح نهج البلاغه گردآورنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی العامه، سال ۱۴۰۴
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ناشر: علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، سال ۱۳۸۴
۳۰. موسوی‌غروی، محمدجواد، مبانی حقوق در اسلام مترجم: علی‌اصغر غروی، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳
۳۱. ورام، ابوالحسن، مجموعه ورام، مترجم: محمدرضا عطائی، نشر: مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، سال ۱۳۶۹
۳۲. شیخ مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، محقق، مصحح: غفاری، علی‌اکبر و محرمی زرنندی، محمود ناشر: قم
- المؤتمر العالمی للشیخ المفید سال چاپ: ۱۴۱۳ ق

(ب) سایت‌ها

1. <https://ensani.ir/fa/article/139116>
2. <https://fa.wiki.khomeini.ir>